

## رواسازی و اعتباریابی نسخه ایرانی مقیاس پردازش اطلاعات هیجانی در دانشجویان

### investigate the validity and reliability of the emotional processing questionnaire in young people

مرضیه غلامی<sup>۱</sup>، \* خدیجه ابوالمعالی الحسینی<sup>۲</sup>

#### Abstract

The purpose of this study was to investigate the validity and reliability of the emotional processing questionnaire in young people. 200 students were randomly selected via cluster sampling among male and female students of Islamic Azad University-Roudehen Branch and completed this questionnaire. To analyze the data, the first a confirmatory factor analysis was used and the results showed that fitting indices were not an acceptable level, so exploratory factor analysis was performed. Based on exploratory factor analysis, two coherent factors were identified in the emotional processing questionnaire. The first factor was called weakened and suppressed emotions, and the second factor was named "impoverished emotional processing", that 59 percent of the total variance of the test was explained by these two factors.

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس پردازش هیجانی در افراد جوان بود. ۲۰۰ دانشجو به روش تصادفی خوشه‌ای از بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن انتخاب شدند و پرسشنامه پردازش هیجانی را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها ابتدا از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش در سطح قابل قبولی قرار نداشتند، از اینرو تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت. براساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، دو عامل منسجم در پرسشنامه پردازش هیجانی شناسایی شد. عامل اول تحت عنوان هیجان‌ات تضعیف و سرکوب شده، و عامل دوم تحت عنوان پردازش هیجانی ناقص نام‌گذاری شدند که این دو عامل ۵۹ درصد از واریانس کل آزمون را تبیین می‌کردند. پایایی

۱. دانش آموخته روان‌شناسی

۲. نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

The reliability (with test-retest method) of the total score of this questionnaire was 0.93, and the internal consistency of the total score and the two components of this questionnaire were 0.93, 0.78 and 0.75, respectively. It is recommended that psychologists, counselors, and researchers apply this questionnaire for measuring dysfunctional emotional processing.

**Keywords:** Emotional processing, Reliability, Validity

نمره کل این پرسشنامه ۱۸ سؤالی با روش بازآزمایی ۰/۹۳، و با استفاده از روش همسانی درونی برای کل آزمون ۰/۹۱ و برای دو مؤلفه‌ی مذکور به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۵ به دست آمد. به روان‌شناسان، مشاوران و پژوهشگران توصیه می‌شود که برای اندازه‌گیری پردازش اطلاعات ناکارآمد از این پرسشنامه استفاده کنند.

**واژه‌های کلیدی:** پردازش هیجانی، پایایی، روایی

### مقدمه

تقریباً هر روز مردم با بعضی از انواع گرفتاری‌ها و استرس‌ها مواجه‌اند که خوشبختانه خیلی شدید نیست، اما گاهی با حوادث شدیدی همچون مرگ یکی از عزیزان، تصادف، از کار افتادگی و غیره مواجه می‌شوند و ممکن است پردازش هیجانی آنان به صورت نامناسب و منفی انجام شود. این در حالی است که دردهای هیجانی یک مرتبه بروز نمی‌کنند، زمانی که پردازش هیجانی یک تجربه به صورت ناقص صورت می‌گیرد، ناراحتی‌ها به مرور در فرد جمع می‌شود و ممکن است این ناراحتی‌ها به صورت نشانه‌هایی از یک اختلال روانی و یا یک بیماری نشان داده شوند (راچمن، ۱۹۸۰؛ ۲۰۰۹). بیش‌تر هیجان‌ها در زمینه ارتباطات اجتماعی رخ می‌دهند. آشکارسازی هیجان در درون تعاملات، ارتباطات دوجانبه هیجان و ارتباطات را آشکار می‌سازد. در واقع هیجان‌ها در سطح زمینه فرهنگی بزرگتر شکل می‌گیرند (بویگر و مسکوینا، ۲۰۱۲). یک عامل تعیین‌کننده در سبک پردازش هیجانی تفاوت‌های فرهنگی است. در فرهنگ‌های غربی افراد تمایل دارند که اعتقادات و ارزش‌های خود را درونی کرده و به تمایز خود از دیگران که تحت عنوان ویژگی‌های فردی تلقی می‌شوند توجه کنند. در حالی که در فرهنگ شرقی یا آسیایی مانند چین یا ژاپن افراد تمایل دارند که باورها و ارزش‌هایی که آنان را به دیگران پیوند می‌دهند درونی کنند و خود را با ویژگی‌های ارتباطی تعریف کرده و با جامعه هماهنگ شوند (که جهت‌گیری اجتماعی وابسته‌آنانمیده می‌شود) (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ جوانبخت، تامپسون و کیتایاما، ۲۰۱۸). در واقع افراد دارای فرهنگ آسیایی به کنترل

1Rachman

2Boiger & Mesquita

3interdependent social orientation

4Markus & Kitayama

5Javanbakht, Tompson & Kitayama

هیجان‌ها ارزش بیشتری می‌دهند (ماوس، و باتلر، ۲۰۱۰) و بیش‌تر از راهبردهای فرونشانی برای کنترل هیجان‌هایشان استفاده می‌کنند (ماستوموتو؛ یو و ناکاگاوا، ۲۰۰۸). در یک فرهنگ اجتماعی وابسته، هیجان نقش ارتباطی بیش‌تری دارد (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱). به همین علت است که هیجان‌های منفی کمتر در کشورهای آسیایی ابراز می‌شوند (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ گرک، شای، وانگ، ژو یانگ، ۲۰۱۱).

پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در پژوهش‌ها و نظریه‌های مرتبط با هیجان در ارتباط با سهم پردازش اطلاعات هیجانی صورت گرفته است. مطالعات هیجان را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره‌ی اول در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۹ بود، این دوره یک عصر پیشگام برای مطالعه‌ی هیجان بود و نظریه‌های شناختی، هیجان را به صورت علمی تحلیل کردند. دومین دوره در مطالعه‌ی هیجان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ صورت گرفت و یک افزایش سریع در تعداد مقالات پژوهشی صورت گرفت و مطالعات زیادی در مورد انحرافات پردازش خودکار و کاربرد آنها در روان‌شناسی بالینی انجام شدند. در طول دوره‌ی سوم یعنی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ تمرکز جدیدی روی فرآیند خود نظم‌بخشی هیجانی آغاز شد (روترماند و سندر، ۲۰۱۷). روان‌شناسان شناختی به نقش مهم هیجان‌ها علاقه‌مندند. بیکر، توماس، توماس، گاور و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) ۸ عامل مرتبط با سبک‌های تجربه هیجانی (ناسازگار؟ بیرونی؟ ناهماهنگ؟)، مکانیزم‌های کنترل‌کننده تجربه و بیان هیجان‌ها (سرکوبی؟ اجتناب؟) و کنترل نشده<sup>۱</sup> و بالاخره علائم پردازش ناکارآمد (ناگهانی)<sup>۲</sup> را شناسایی کردند که مفهوم‌سازی راچمن را بازنمایی می‌کنند. راچمن (۱۹۸۰) برای اولین بار اصطلاح پردازش هیجانی را به کار برد که فرآیندی است که آشفتگی‌های هیجانی جذب می‌شوند و تجارب و رفتارهای دیگری را که می‌توانند بدون وقفه ادامه یابند کاهش می‌دهند. اگر آشفتگی‌های هیجانی به طور ناقص پردازش شوند، بنابراین نشانه‌های شکست آشکار خواهند شد (برای مثال حافظه‌های ناخوانده، کابوس‌ها، برانگیختگی زیاد و پریشانی). این علائم شکست ممکن است تحت عنوان نشانگان اختلالات روان-شناختی مفهوم‌سازی شوند (راچمن، ۱۹۸۰). این شامل کابوس‌ها و بازگشت‌های اختلال استرس پس از آسیب هم می‌شود (بیکر و همکاران، ۲۰۰۰؛ بیکر، اون، توماس، ویتلسی، ابی، گاور و

1Mauss & Gross

2Matsumoto, Yoo, & Nakagawa

3Greck, Shi, Wang, Zuo, Yang

4Rothermund & Sander

5Baker, Thomas, Thomas, Gower & et al.

6Discordant

7Externalized

8Lack of Attunement

9Suppression

10Dissociation

11Avoidance

12Uncontrolled

13Intrusion

همکاران، ۲۰۱۲). در کل پژوهش‌ها آشکار ساخته‌اند که نقائصی در پردازش هیجانی با آسیب‌شناسی روانی ارتباط دارند. این‌ها شامل افزایشی در نشخوار فکری، اجتناب و مقابله ناسازگارانه با مشکلات سلامت روانی می‌شوند (گراس، ۱۹۹۸) و به طور خاص‌تر کاهش در ادراک، فهم و بیان تجارب عاطفی در افسردگی و اضطراب (لومینت، باگی و تیلور، ۲۰۰۱؛ منین، همبرگ، تراک و فرسکو، ۲۰۰۵؛ رود و مک کارتی، ۲۰۰۳). در واقع آسان‌سازی پردازش هیجانی به عنوان یک مولفه‌ی اصلی درمان در بسیاری از رویکردهای درمانی شناخته می‌شود. بر اساس دیدگاه بیکر و همکاران (۲۰۰۷) شروع یک تجربه‌ی هیجانی با یک واقعه‌ی تشدید کننده آغاز می‌شود. این واقعه باید به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه ثبت می‌شود و آن ممکن است یک واقعه ساده (مانند بحث با همسر) یا یک واقعه‌ی آسیب‌زای عمده (مانند یک واقعه در تصادف جاده) یا مجموعه‌ای از وقایع استرس‌زا (مانند آزار در محیط کار) باشد. ارزیابی شناختی، معانی وقایع هیجانات تجربه شده را تعیین می‌کند. عواملی که روی پردازش عاطفی در این مرحله اثر می‌گذارد شامل شکست در ثبت واقعه، تفسیر نادرست واقعه، یا اجتناب فعال از واقعه‌ای که به طور بالقوه تهدید کننده است (مانند اجتناب از تفکر درباره‌ی یک رویداد) می‌شود (بیکر و همکاران، ۲۰۰۷). در واقع، بعد از تجربه یک رویداد هیجانات به طور بالقوه از طریق ارزیابی واقعه تجربه شده صادر می‌شوند. نقائص سبک‌های پردازش اطلاعات هیجانی شامل شکست در تجربه هیجان به عنوان یک کل روان‌شناختی، نقائصی در آگاهی از تجربه هیجانی و مشکلاتی در نام‌گذاری هیجانات، و ارتباط هیجات با واقعه مربوطه نشان داده می‌شوند سبک ناموزون، سبکی است که در آن فرد در درک و فهم تجربه‌ی هیجانی با مشکل مواجه می‌شود. سبک بیرونی‌سازی، سبکی است که در آن فرد از احساسات بدنی تجربه هیجانی آگاهی دارد، اما آنها را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهد (مانند بیماری سلامت)؛ و سبک عدم تشخیص، سبکی است که در آن فرد هیجانات را نرمال و مفید نمی‌داند. قطع ارتباط با یک تجربه‌ی هیجانی منسجم و کامل است که ممکن است ناشی از راهبردهای کنترل ناسازگارانه مانند گسستگی (فاصله از تجربه هیجانی به دلیل این که آن آگاهانه ثبت نشده است)، و فرونشانی<sup>۱</sup> (کنترل بیش از حد تجربه عاطفی) باشد (بیکر و همکاران، ۲۰۱۲). این مدل تجارب را از بیان آنها جدا می‌کند، اگر چه این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که در زندگی روزانه این انتقال اغلب قابل مشاهده نیست و به صورت خودکار رخ

1 Baker, Owens, Thomas, Whittlesea, Abbey, Gower et al.

2 Gross

3 Luminet, Bagby and Taylor

4 Mennin, Heimberg, Turk and Fresco

5 Rude and McCarthy

6 Discordant

7 Externalized

8 Lack of Attunement

9 Disruptions

10 Dissociation

11 Suppression

می‌دهد. مشکلاتی که در این مرحله بوجود می‌آید شامل فرونشانی بیان تجربه یا شکست در نظم بخشی هیجان (کنترل نشده) می‌شود. از دیدگاه راجمن (۲۰۰۹) چارچوب اساسی پردازش ناقص یک تجربه هیجانی می‌تواند شاخصی برای وجود مقاومت، و تجارب هیجانی ناخوانده و مزاحم باشد. مزاحمت خودش را به اشکال وسواس فکری؛ بازگشت‌ها؛ کابوس‌های شبانه، فشار در صحبت کردن، بیانات نامناسب هیجانی مانند اجتناب، فرونشانی، گسستگی، فقدان مکانیزم‌های کنترل (کنترل-نشده)، سبک‌های پردازش هیجانی ناکارآمد (نامتوازن، فقدان تشخیص و برونی‌سازی)، و علائم پردازش ناکامل (مزاحمت) شوند که در پرسشنامه پردازش اطلاعات هیجانی که در این پژوهش رواسازی و اعتبار سازی شده است، اندازه‌گیری می‌شود.

افرادی که از لحاظ پردازش هیجانی از سبک‌های شناختی ضعیف تری مانند نشخوارگری، فاجعه‌انگاری و ملامت خویش استفاده می‌کنند، در برابر مشکلات هیجانی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. در حالی که در افرادی که از سبک‌های مطلوب دیگر مانند ارزیابی مجدد مثبت استفاده می‌کنند، کمتر آسیب‌پذیر هستند (بشارت، ۱۳۸۷).

ضعف در پردازش اطلاعات هیجانی براساس پژوهش‌های گذشته می‌تواند بر جو عاطفی خانواده و ارتباطات زوجین، صمیمیت و رضایت جنسی (بابایی، ۱۳۹۲، ستوده، ۱۳۸۸؛ نائینیان و نیک‌آذین، ۱۳۹۱)، ترس از ارزیابی (لطفی، ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۹۲)، سلامت روان (غلامی و ابوالمعالی، ۲۰۱۶)، وابستگی به سیگار (عزیزی، میرزایی و شمس، ۱۳۸۹) اثر بگذارد. از آن‌جا که آسیب‌های جسمانی، روانی و اجتماعی پردازش هیجانی ناکارآمد گاهی جبران‌ناپذیر است، از این رو استاندارد سازی پرسشنامه پردازش اطلاعات هیجانی در فرهنگ ایرانی ضرورت می‌یابد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه پردازش اطلاعات هیجانی (بیکر و همکاران، ۲۰۰۷) در دانشجویان است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و با رویکرد آزمون سازی انجام شد. نمونه آماری پژوهش ۲۰۰ نفر (۵۰ مرد) از دانشجویان دوره کارشناسی (با دامنه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال) دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. گفتنی است که داده‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد تحلیل قرار گرفت.

1flashbacks

2Uncontrolled

## ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه پردازش هیجانی که توسط بیکر و همکاران (۲۰۰۷) طراحی شده است استفاده شد. بیکر و همکاران این پرسشنامه روی ۴۹۰ بزرگسال سالم و بزرگسالانی که دارای مشکلات جسمانی بودند استاندارد کردند. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت ۱۰ درجه‌ای از صفر تا ۹ صورت می‌گیرد. بیکر و همکاران (۲۰۰۷) در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی ۵ عامل را شناسایی کردند که سه تای آن‌ها مربوط به کنترل یا بدتنظیمی هیجانی بود (شامل اجتناب، فرونشانی، و هیجانات نظم‌داده نشده)، یک عامل دیگر مربوط به تجربه هیجانی ضعیف بود که عدم توازن و گسستگی هیجانات را در بر می‌گرفت، و آخرین عامل بیان هیجانات بود. بیکر و همکاران همسانی درونی نمره‌ی کل این پرسشنامه و مؤلفه‌های آن را متوسط گزارش کردند.

## یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها ابتدا از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS 7.0 و برآورد بیشینه احتمال<sup>۱</sup> (ML) انجام شد. بررسی مجذورکای نشان داد که مدل با داده‌ها برازش ندارد  $\chi^2(N=200, df=265) = 548/024, p < 0/01$ . به این دلیل که مجذورکای به شدت تحت تأثیر حجم نمونه قرار دارد، شاخص‌های برازندگی دیگر از قبیل مجذورکای نرم‌شده<sup>۲</sup> ( $\chi^2/df$ ) مورد استفاده قرار گرفت. مجذورکای نرم‌شده برای مدل اندازه‌گیری در این پژوهش ۲/۰۶۸ بود که بیانگر برازش قابل قبول مدل با داده بود. بررسی دیگر شاخص‌های برازندگی نشان داد شاخص برازش تطبیقی<sup>۳</sup> (CFI) برابر با ۰/۷۸۷، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب<sup>۴</sup> (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۳ و شاخص نکویی برازش تطبیقی<sup>۵</sup> (AGFI) برابر با ۰/۷۸۵ است. علیرغم مقادیر شاخص‌های مجذورکای نرم‌شده و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب که بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها بود، با توجه به ارزش‌های پایین شاخص برازش تطبیقی و شاخص نکویی برازش تطبیقی چنین نتیجه‌گیری شده که مدل با داده‌های گردآوری شده ندارد. از اینرو تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۶</sup> (PCA) انجام شد. برای پیدا کردن تعداد عامل‌ها دو ملاک در نظر گرفته شد: الف) ارزش ویژه<sup>۷</sup> بزرگتر از یک و ب) تست اسکری کتل<sup>۸</sup> لازم به توضیح است با توجه به این که در تحلیل اولیه هدف پیدا کردن تعداد عامل‌ها بود، بنابراین نوع چرخش معین نشد.

1 Maximum Likelihood

2 Normed chi-square

3 Comparative Fit Index

4 Root Mean Square Error of Approximation

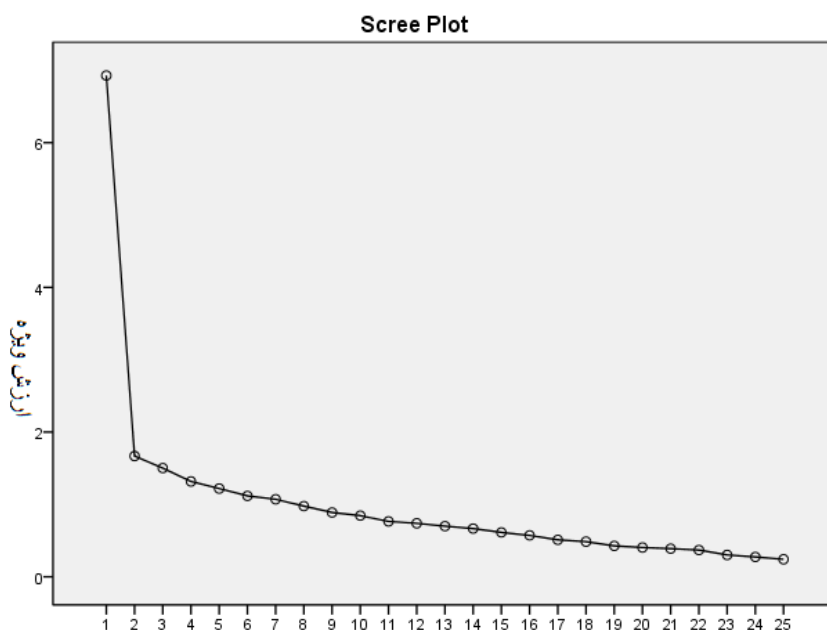
5 Adjusted Goodness of Fit Index

6 Principal component analysis

7 Eigenvalue

8 Cattel Scree Plot

استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که شاخص کایسر-میر-اولیکن (KMO) برابر با ۰/۸۵۳ است. این شاخص نشانگر کافی بودن حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی است (فیلد، ۲۰۱۳). همچنین نتایج نشان داد که شاخص کرویت بارتلت<sup>۲</sup> به لحاظ آماری معنادار بود ( $\chi^2(df=300, N=200) = 1551/72, p < 0/001$ ). با توجه به این که شاخص کرویت بارتلت در سطح ۰/۰۱ معنادار بود، بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که متغیرها مستقل از هم‌دیگر نبوده و سطح قابل قبولی از همبستگی بین آن‌ها وجود دارد که می‌توان انتظار داشت خوشه‌هایی ظهور یابد. در ادامه نتایج تحلیل نشان داد، هفت مؤلفه با ارزش ویژه بزرگتر از یک وجود دارد که در کل ۵۹/۳۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، در مقابل نتایج حاصل از تست اسکری (نمودار شکل ۱) از حضور دو مؤلفه حمایت نمود.



شکل ۱: نمودار تست اسکری

براساس الگوی نمودار تست اسکری، تحلیل به روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس مجدداً تکرار شد، با این تفاوت که این بار تعداد مؤلفه‌ها با عدد دو تثبیت شده و شرایط زیر در نظر گرفته شد: الف) بارعاملی هر گویه بر مؤلفه اصلی باید بزرگتر یا مساوی ۰/۳ باشد و ب) اختلاف بین بارهای عاملی هر گویه بر دو مؤلفه اصلی و فرعی باید کمتر از ۰/۱ باشد. نتایج تحلیل مجدد نشان

1 Field  
2 Bartlett's Test of Sphericity

داد که ۲ گویه (گویه های ۲۱ و ۲۴) شرط الف و ۵ گویه (گویه های ۲، ۳، ۵، ۹ و ۱۹) شرط ب را نقض نموده‌اند، به همین دلیل پس از حذف ۷ گویه ناقض شروط الف و ب، تحلیل برای بار سوم تکرار شد، جدول ۱، بارهای عاملی، ارزش‌ویژه، مقدار واریانس تبیین شده و آلفای کرونباخ هر یک از مؤلفه‌های را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ماتریس چرخش یافته عامل های مقاس پردازش اطلاعات هیجانی

عامل ها		گویه ها
عامل اول	عامل دوم	
۰/۶۷۱		۱.
۰/۶۳۸	۰/۲۰۵	۶.
۰/۵۸۲		۲۲.
۰/۵۷۴	۰/۲۰۸	۱۱.
۰/۵۷۱		۷.
۰/۵۶۸	۰/۳۷۵	۱۶.
۰/۵۴۲	۰/۳۵۲	۱۷.
۰/۵۳۲		۱۵.
۰/۴۶۰		۴.
۰/۳۱۷		۱۴.
	۰/۷۵۲	۱۸.
	۰/۷۲۰	۱۳.
	۰/۶۲۴	۲۵.
	۰/۶۲۰	۲۰.
	۰/۵۸۹	۸.
	۰/۵۸۲	۱۰.
	۰/۵۶۴	۲۳.
	۰/۳۴۹	۱۲.
۵/۳۱	۱/۶۶	ارزش ویژه
۲۹/۴۹	۹/۲۲	درصد واریانس تبیین شده بعد از چرخش
۰/۷۸۴	۰/۷۹۵	آلفای کرونباخ
۴۲/۱۷	۲۴/۳۶	میانگین
۱۵/۲۰	۱۲/۷۳	انحراف استاندارد

نکته: تنها بارهای عاملی بزرگتر از  $\pm 0/2$  نشان داده شده است.



براساس جدول ۱، بارهای عاملی گویه‌های باقی مانده در تحلیل همگی بزرگتر از ۰/۳ بوده و اختلاف بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها در عامل اصلی و فرعی کمتر از ۰/۱ است. سهم مؤلفه‌های اول و دوم در تبیین واریانس کل به ترتیب ۲۹/۴۹ و ۹/۲۲ درصد بود. همچنین همسانی‌درونی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ارزش‌های ۰/۷۸۴ و ۰/۷۹۵ به ترتیب برای مؤلفه‌های اول و دوم بدست آمد. گفتنی است که ضریب همبستگی بین دو مؤلفه بدست آمده برابر با ۰/۵۳۷ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در کل پس از استخراج دو مؤلفه مقیاس پردازش اطلاعات هیجانی با توجه به محتوای گویه‌ها، مؤلفه اول هیجان‌تضعیف و سرکوب شده و مؤلفه دوم پردازش هیجانی ناقص نام‌گذاری شدند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر رواسازی و پایاسازی مقیاس پردازش اطلاعات هیجانی بود. براساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش ساختار ۵ مؤلفه‌ای این پرسشنامه که توسط بیکر و همکاران (۲۰۱۰) گزارش شده بود تأیید نشد و دو عامل هیجان‌تضعیف و سرکوب شده و پردازش هیجانی ناقص شناسایی شدند. با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای کل آزمون و زیرمقیاس‌های آن، این آزمون از همسانی‌درونی رضایت‌بخشی برخوردار است. به علاوه ضرایب حاصله از بازآزمایی این آزمون نیز مؤید دقت و ثبات نتایج این آزمون در طول زمان است. این پرسشنامه براساس مفهوم سازی راجمن از پردازش اطلاعات ناکارآمد ساخته شده است. اگر هیجان‌تضعیف به طور ناقص پردازش شوند، ممکن است تحت عنوان نشانگان اختلالات روان‌شناختی مفهوم‌سازی شوند. برخی از این اختلالات شامل کابوس‌ها و بازگشت‌های اختلال استرس پس از آسیب هم می‌شود (راجمن، ۱۹۸۰؛ بیکر و همکاران، ۲۰۰۰؛ بیکر، و همکاران، ۲۰۱۲). در کل پژوهش‌ها آشکار ساخته‌اند که نقائصی در پردازش هیجانی با آسیب‌شناسی روانی و کاهش سلامت روان ارتباط دارند (غلامی و ابوالمعالی، ۲۰۱۶). این مشکلات می‌تواند نشخوار فکری، اجتناب و مقابله ناسازگارانه با مشکلات سلامت روان باشند که ناضی از پردازش ناکارآمد اطلاعات هیجانی هستند (گراس، ۱۹۹۸). به همین علت، آسان‌سازی پردازش هیجانی به عنوان یک مولفه‌ی اصلی درمان در بسیاری از رویکردهای درمانی شناخته می‌شود. نقش پردازش اطلاعات هیجانی ناکارآمد در آسیب‌های روانی توسط برخی از پژوهشگران از جمله (بشارت، ۱۳۸۷؛ بابایی، ۱۳۹۲؛ نائینیان و نیک آذین، ۱۳۹۱؛ لطفی و همکاران؛ غلامی و ابوالمعالی، ۲۰۱۶، نریمانی، آریاپوریان، ابوالقاسمی، و احدی (۱۳۹۰)، و عزیز و همکاران، ۱۳۸۹) مورد تأکید قرار گرفته است.

با توجه به ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب این پرسشنامه به کارگیری آن در فعالیت‌های پژوهشی توصیه می‌شود. همچنین به روان‌درمانگران توصیه می‌شود که به منظور سنجش سطح پردازش

اطلاعات هیجانی از این پرسشنامه استفاده کنند و جهت افزایش سلامت روان نقش پردازش اطلاعات هیجانی ناکارآمد را مورد توجه قرار دهند. این پرسشنامه فقط نمونه‌ای از پردازش اطلاعات هیجانی را می‌سنجد، از این رو توصیه می‌شود که در کنار این ابزار جهت دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه نیز توسط روان‌درمانگران به کار گرفته شود.

### منابع فارسی

- بابایی، مهناز. (۱۳۹۲). رابطه جو عاطفی خانواده با گرایش و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج در نوجوانان دختر. خلاصه مقالات چهارمین کنگره سراسری رفتارهای پرخطر. ص: ۱۲۸-۱۲۹.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۷). نارسایی هیجانی و سبک‌های دفاعی. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۲(۳)، ۱۹۰-۱۸۱.
- عزیزی، علیرضا، میرزایی، آزاده، شمس، جمال. (۱۳۸۹). بررسی رابطه تحمل آشفتگی و تنظیم هیجانی با میزان وابستگی دانشجویان به سیگار. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، بهار ۸۹، دوره سیزدهم، شماره اول. ص: ۱۱-۱۸.
- لطفی، صدیقه، ابوالقاسمی، عباس، نریمانی، محمد (۱۳۹۲). مقایسه پردازش هیجانی و ترس از ارزیاب یهای مثبت و منفی در زنان دارای فوبی اجتماعی و زنان عادی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. سال چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، پیاپی ۵۳، ص: ۱۰۱-۱۱۱.
- نائینیان، محمدرضا، و نیک آذین، امیر. (۱۳۹۱). رابطه صمیمیت و رضایت جنسی با سلامت عمومی و بهزیستی شخصی: بررسی تفاوت‌های جنسیتی و سنی. *علوم رفتاری*. سال دهم، شماره هفتم، ص: ۷۳۵-۷۴۵.
- نریمانی، محمد؛ آریاپوریان، سعید، ابوالقاسمی، عباس و احدی، بتول. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی آموزش های ذهن آگاهی و تنظیم هیجان بر سلامت عمومی جانبازان شیمیایی. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱ (۲): ۹۳-۱۱۷.

### References

- Baker, Roger; Holloway, Jane; Thomas, Peter W.; Thomas, Sarah; Owens, Matthew (2004): Emotional processing and panic. In *Behaviour research and therapy* 42 (11), pp. 1271-1287. DOI: 10.1016/j.brat.2003.09.002.
- Baker, Roger; Owens, Matthew; Thomas, Sarah; Whittlesea, Anna; Abbey, Gareth; Gower, Phil et al. (2012): Does CBT facilitate emotional processing? In *Behavioural and cognitive psychotherapy* 40 (1), pp. 19-37. DOI: 10.1017/S1352465810000895.
- Baker, Roger; Thomas, Sarah; Thomas, Peter W.; Gower, Phil; Santonastaso, Mariaelisa; Whittlesea, Anna (2010): The Emotional Processing Scale. Scale refinement and abridgement (EPS-25). In *Journal of psychosomatic research* 68 (1), pp. 83-88. DOI: 10.1016/j.jpsychores.2009.07.007.

- Baker, Roger; Thomas, Sarah; Thomas, Peter W.; Owens, Matthew (2007): Development of an emotional processing scale. In *Journal of psychosomatic research* 62 (2), pp. 167–178. DOI: 10.1016/j.jpsychores.2006.09.005.
- Boiger, Michael; Mesquita, Batja (2012): The Construction of Emotion in Interactions, Relationships, and Cultures. In *Emotion Review* 4 (3), pp. 221–229. DOI: 10.1177/1754073912439765.
- Gholami Bozorghi, M.; Abolmaali, Kh (2016): Predicting sexual diversity based on processing of emotional information and dimension of processing of emotional information. In *International Journal of Education and Applied Sciences* 1 (8), pp. 384–391.
- Greck, Moritz de; Shi, Zhenhao; Wang, Gang; Zuo, Xiangyu; Yang, Xuedong; Wang, Xiaoying et al. (2012): Culture modulates brain activity during empathy with anger. In *NeuroImage* 59 (3), pp. 2871–2882. DOI: 10.1016/j.neuroimage.2011.09.052.
- Gross, James J. (1998): The emerging field of emotion regulation. An integrative review. In *Review of General Psychology* 2 (3), pp. 271–299. DOI: 10.1037/1089-2680.2.3.271.
- Javanbakht, Arash; Tompson, Steve; Kitayama, Shinobu; King, Anthony; Yoon, Carolyn; Liberzon, Israel (2018): Gene by Culture Effects on Emotional Processing of Social Cues among East Asians and European Americans. In *Behavioral sciences (Basel, Switzerland)* 8 (7). DOI: 10.3390/bs8070062.
- Lemerise, Elizabeth A.; Arsenio, William F. (2000): An Integrated Model of Emotion Processes and Cognition in Social Information Processing. In *Child Development* 71 (1), pp. 107–118. DOI: 10.1111/1467-8624.00124.
- Luminet, O.; Bagby, R. M.; Taylor, G. J. (2001): An evaluation of the absolute and relative stability of alexithymia in patients with major depression. In *Psychotherapy and psychosomatics* 70 (5), pp. 254–260. DOI: 10.1159/000056263.
- Markus, Hazel R.; Kitayama, Shinobu (1991): Culture and the self. Implications for cognition, emotion, and motivation. In *Psychological Review* 98 (2), pp. 224–253. DOI: 10.1037/0033-295X.98.2.224.
- Matsumoto, David; Yoo, Seung Hee; Nakagawa, Sanae (2008): Culture, emotion regulation, and adjustment. In *Journal of personality and social psychology* 94 (6), pp. 925–937. DOI: 10.1037/0022-3514.94.6.925.
- Mauss, I. B.; Gross, J.J (2004): **Emotion suppression and cardiovascular disease: Is hiding your feelings bad for your heart. In The Expression of Emotion and Health**; Temoshok, L.R., Vingerhoets, A., pp: 62-81 Nyklicek, L., Eds. London, UK: Brunner-Routledge.

- Mennin, Douglas S.; Heimberg, Richard G.; Turk, Cynthia L.; Fresco, David M. (2005): Preliminary evidence for an emotion dysregulation model of generalized anxiety disorder. In *Behaviour research and therapy* 43 (10), pp. 1281–1310. DOI: 10.1016/j.brat.2004.08.008.
- Rachman, S. (1980): Emotional processing. In *Behaviour research and therapy* 18 (1), pp. 51–60.
- Rachman, S. (2009): Emotional processing, with special reference to post-traumatic stress disorder. In *International Review of Psychiatry* 13 (3), pp. 164–171. DOI: 10.1080/09540260120074028.
- Rothermund, Klaus; Koole, Sander L. (2018): Three decades of Cognition & Emotion. A brief review of past highlights and future prospects. In *Cognition & emotion* 32 (1), pp. 1–12. DOI: 10.1080/02699931.2018.1418197.
- Rude, Stephanie; McCarthy, Christopher (2003): BRIEF REPORT. In *Cognition & emotion* 17 (5), pp. 799–806. DOI: 10.1080/02699930302283.